

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نور (جله هفتم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۹/۳/۹۵

محورهای سوره مبارکه نور:

۱. بحث روابط و اختلالی که در روابط جنسیتی ایجاد می شود که این محور، پایه بحث شهوات به علاوه فحشاء است. وقتی میگوییم فحشاء منظورمان إفک یا آلودگی های مختلف هم هست.

۲. بحث فضل

۳. آداب معاشرت در بیوت که شامل انس و سلام است.

در این جلسه ان شاء الله به موضوع آیه نور، ظلمات و ارتباط و روابط با رسول می پردازیم.

\*\*\*

موضوعات در سوره مبارکه نور در سه بخش کلی قابل دسته بندی هستند:

آیات اول تا آیه نور به بحث روابط اشاره دارند.

که از آیه ۲۷ یک سری احکام را مطرح می کند لاتدخلوا بیوتا مگر با این شرایط: فرو بستن چشم، حجاب و ...

تا می رسد به آیه ۳۴ و آیه نور که تا آیه ۴۶ جزو آیات نور هستند.

آیات نور طیف گسترده ای دارد و سبک زندگی های مختلفی را مطرح می کند.

از آیه ۴۶ به بعد به جامعه دینی وارد می شود تا آخر سوره.

جالب است که در وسط اینها در آیات ۶۰ و ۶۱ دوباره بحث بیوت را مطرح می کند.

در این دسته سوم، مسایل مربوط به رسول را مطرح کرده و بیت بزرگتری در آن برای ما مهیا می‌شود. در حقیقت، انسان با ایمان به بیت بزرگتری به نام بیت رسول وارد می‌شود.

گاهی داشتن این دید کلی به فهم بهتر مفاهیم سوره بسیار کمک می‌کند.

یک نکته محوری در این سوره بحث طیب و خبیث است. انسان‌ها طیب و خبیث شدنشان دست خودشان است.

در چه صورت خبیث می‌شود؟ وقتی فکرها، صفات، رفتارها و گفتارهای خبیثانه داشته باشد.

گفتار خبیث مثل سرزنش و طعنه، فحش و ناسزا و ...

رفتار خبیثانه مثل لج دیگری را در آوردن، کمک نکردن به دیگری، ضرر زدن به دیگری و ...

صفت خبیث مثل بُخل، حسد و ...

باور خبیث مثل کسی که اعتقاد دارد خدا کمکش نمی‌کند، کسی که همه چیز را به شانس ارتباط می‌دهد و ...

فکر خبیث مثل کسی که فکر گناه می‌کند و ...

این نشان می‌دهد انسان، خودش، خودش را طیب یا خبیث می‌کند. در حقیقت فاصله انسان با طیب یا خبیث شدن به اندازه یک اراده است.

افضل اعمال در ماه مبارک، «ورع» است. در این ماه بینیم چقدر با طیبات فاصله داریم.

برای کشف بحث طیبات و خبیثات حتما لازم است اینها را خرد کنیم.

باید بینیم در ناحیه صفت، باور، فکر، گفتار، عمل و رفتار و عکس‌العمل، هر کدام، چه میزان طیب هستیم.

مثلا فرد رفتارش خوب است اما در فکر ضرر زدن به دیگری است؛ حتی اگر این کار را هم نکند، این فکر خبیث است.

رابط طیب با فضل رابطه خیلی مهمی است. طیب بودن، فضلی است که خدا عنایت می‌کند. و خبیث بودن هم، فضلی است که از یک نفر دریغ می‌شود.

همه خیراتی که انسان به دست می‌آورد عطاکردنی از جانب خداست. شما فقط اقتضایش را فراهم می‌کنید و نازل می‌شود. من اقتضایش را فراهم کنم، طیب در من نازل می‌شود..

همه خیرات، رحمت و فضل الهی است.

کسی که ذهنش پاک است، توان‌هایی دارد که کسی که ذهنش پاک نیست، از آن برخوردار نیست؛ به همین خاطر به آن فضل می‌گوییم. اغلب جزع و فزع‌های ما به خاطر کم بودن طیبات در ماست.

حالا باورهای ما چگونه طیب می‌شوند؟ قرآن زیاد بخوانیم.. ادعیه زیاد بخوانیم.. روایت زیاد بخوانیم.

نگاه نکردن به نامحرم و حجاب باعث می‌شوند فکر و خیال طیب شود.

اذن گرفتن بچه هنگام ورود به اتاق پدر و مادر باعث می‌شود بچه صحنه‌های ناجور نبیند و ذهنش آلوده نشود.

در سوره، طیبات را از خانواده شروع می‌کند و پدر و مادر را به عنوان طیب‌رسان به بچه معرفی می‌کند.

تا بلوغ، وظیفه طیب‌رسانی به اطفال به عهده پدر و مادر است.

بلوغ و تکلیف خودش یک فضل است که در اثر طیب بودن عنایت می‌شود. چه بسا کسانی به سن تکلیف برسند؛

اما به تکلیف نرسند. تکلیف یعنی عقل و خرد در آنها شکوفا شود.

در این سوره، دیدنی‌هایی که با آن ملموس است باعث طیب شدن می‌شود. این طیبات باید در بیوت جاری شود.

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵)

ما چون انسان هستیم و خدا ما را خلق کرده، از مسیر حواس، حقایق را درک می‌کنیم؛ از طریق دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها. حتی طیبات را نیز از راه دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها درک می‌کنیم و به باور در ما تبدیل می‌شود.

برای آیه نور خاصی تهای زیادی گفته‌اند. این آیه در نورانی کردن آدم‌ها و در طیب کردن آنها نقش دارد.

بعضی علما اعتقادشان این است که اگر برخی سوره‌ها را افراد جوری بخوانند که صدای خودشان را بشنوند منجر می‌شود ناخواسته و بدون اینکه اراده کنند معانی آیات در آنها رسوخ کند و کلاس‌هایی هم دارند که بر اساس این اعتقاد است.

در واقع حرفشان این است که قرآن یک نظام آموزش دارد.

حضرت امام در کتاب آداب نماز می گویند ادب ذکر این است که انسان مدتی با زبانش برای قلبش بخواند بعد که انس گرفت قلبش برای بقیه قسمت‌ها شروع به خواندن می کند. مثلاً لا حول و لا قوه الا بالله

توصیه شده اگر به بلایی رسیدی یا چیزی را دیدی که به عنوان نعمت بود، شگفت زده شدی، بگویی ماشاءالله؛ این باعث می شود بعد که دوباره چنین صحنه‌هایی دیدی، قلبت این را بگویی.

از ذکرهایی که توصیه شده بخوانید. بعد که قلبتان برایتان بخواند آیه نور است. این خود به خود معنای آیه را نازل می کند.

ترجمه و تفسیر هم خوب است اما تا این آیه بر جان آدم ننشیند، هر قدر هم معنا کنید، فایده ندارد. حتما باید بر اثر تکرار و ممارست به جانتان بنشیند.

آیه می گوید خدا نور آسمان و زمین است یعنی قوام آسمان و زمین از خداست؛ چون خدا هست، آسمان و زمین رویت می شود.

آسمان و زمین را که می بینی، خدا را می بینی چون آنها با نور خدا هستند.

مَثَلُ نوره كمشكوه:

خدا اشاره کردنی نیست؛ اما میتوانی تجلی خدا را در مَثَل‌ها مشاهده کنی.

از طریق مَثَل است که میتوان گفت دست خدا، چشم خدا و...؛ و می‌گوییم امیرالمومنین، عین‌الله، اذن‌الله، یدالله است.

به خدا نمی‌توان اشاره کرد اما می‌توان گفت یک دیدنی، که مَثَل او در یک مرتبه پایین‌تر در چیزی یا کسی باشد.

مثلاً شما الان بگویی السلام علیک یا رسول‌الله؛ ایشان می‌شنوند؛ شنیدنشان محدودیت مکانی و زمانی ندارند.

ریشه مشکوه ... شَکْو است.

چراغ را در مشکوه قرار می‌دهند. محل استقرار است. چراغ‌دان یکی از کارکردهایش، مرتبه‌ای کردن نور است.

کمشکوه در مصباح و آن هم در زجاجه، هر کدام کارکردی دارند.

اینکه شما نور خدا را می بینید، نور خدا را مستقیم نمی بینید، با واسطه می بینید. رویت خدا از طریق واسطه‌ها اتفاق می افتد.

انسان کامل دلیل توحید است؛ اگر او را برداریم توحید محقق نمی شود.

واسطه رویت شما می شود مشکوه.

شما الان نور را به وسیله آن زیتون می بینید. نقش وساطت نبی مکرم را در عالم ذکر می کند.

هر کاری می کنید در این آیه نقش اهل بیت و پیامبر مخفی شود، نمی توانید.

مسلم مشکاه، مصباح و زجاجه همان مصباح و زجاجه معمولی نیست.

مَثَل یعنی در این مرتبه یعنی در مرتبه دنیا که ما قرار داریم. در این مرتبه خدا را به وسیله نور می بینیم، نور را به وسیله مشکاه، مشکاتی که مصباح دارد و زجاجه و ...

این نور در بیت‌هایی است که « فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ... »

اگر آدم زیتون باشد، اتصالش به ذکر، این نور را ایجاد می کند.

اتصال فرد به ذکر است که نور او را متصاعد می کند. وقتی ذاکر می شویم نور از ما متصاعد می شود.

این را همه می دانیم.. گناه که می کنیم قلبمان، قسی می شود.

ذکر یعنی جاری کننده نور خدا در قلب می شود.

• مشکاه: صدر

• مصباح: قلب

• نور: ذکر

• زیتون: آدمی که حقایق را از منبع خودش دریافت میکند.

اگر یک نفر در بیت خودش یعنی همانجا که قلب و صدرش هست، نور را جاری کند؛ او می شود مشکاه در خانه- اش؛ در نتیجه خانه‌اش از حالت ظلمانی خارج می شود.

در حقیقت بیوت به وسیله آدم‌ها نورانی می شود. اتصال ذکر به انسان، نور را در او جاری می کند.

صدر محل صادرات است و قلب محل دریافت‌ها.

خود آن فرد می‌شود مشکاه خانه‌اش و خانه‌اش نیز می‌شود مشکاه جامعه. اگر قلب و صدر انسان نورانی شد، خانه‌اش نیز نورانی می‌شود.

پدر و مادر خانه‌ها را می‌سازند؛ مهربانی کنند، بقیه هم نورانی می‌شوند.

از خود بیت، درون فرد آغاز می‌شود تا بیتی که در آن زندگی می‌کند تا جامعه و ...

آیه (۳۵) (آیه نور) جزء آیات متشابه قرآن است و تفکری است. به شدت قدرت فکر را صیقل می‌دهد.

آیات محکم نوعاً عقلی هستند. اما وقتی جنبه متشابه که پیدا می‌کند، آدم باید فکر کند.

آیا می‌توان خدا را دید؟ لابد می‌شود زیرا در آیه آمده «مثل نوره کمشکوه»؛ خدا قابل رویت نیست اما جلوه‌اش را می‌توان دید. خود نور را نمی‌توان دید اما جلوه‌اش را می‌توان دید.

همین که فکر می‌کنیم، نکاتش برایمان استخراج می‌شود.

زیتون... نار را به نور تبدیل می‌کند... اِنِّیْ اَنْسْتُ نَارَا

و ...

یک آیه‌ای باید باشد که هزار بار بخوانی و هر بار نکته جدید از آن بدست بیاوری. آیات متشابه اینطور هستند.

در حقیقت بروز این موضوع در آیات متشابه بیشتر است؛ چرا که آیات محکم نیز همین گونه‌اند.

اگر انسان، مومن باشد؛ خدا را از قلب و درونش، شهودی، مشاهده می‌کند؛ چون خودش می‌شود محل نور. بقیه به واسطه رویت او خدا را می‌بینند.

خودش شهودی می‌بیند و بقیه حسی، خیالی، وهمی یا عقلی می‌بینند.

خود اینکه همه انواع شهود و مشاهده در آیه نور هست، جالب و محل تأمل است.

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۳۷)

حالات انسان‌ها را در یک روز بررسی می‌کنیم، خیلی متغیر است. همه‌مان اینطور هستیم. وارد کار و مشغله که می‌شویم، خدا کلا از صحیفه وجودمان خارج می‌شود.. حواسمان پرت می‌شود.

اینجا یک نفر را مثل می‌زند که در هیچ حالتی حتی خرید و فروش که انسان حواسش پرت می‌شود، حواسش به خدا هست.

بیع و تجارت‌شان آنها را به لهُو نمی‌کشاند. کار بی‌خاصیت و بیهوده و لهُو انجام نمی‌دهند. کاری که می‌کند، خودش ذکر است.

هر انسانی به اندازه ایمانی که در زندگی بدست آورده و تابش ذکرش، نورانیتی از خود ساطع می‌کند.. روی این نورانیت می‌توان برنامه‌ریزی کرد.. روی آن می‌توان حساب کرد.

خیلی‌ها لغزش‌هایی در خانواده‌شان می‌بینند. اما به جای اصلاح آن نفر، روی خودش کار می‌کند تا نور بیشتری ساطع شود. چون این به طور طبیعی بر فرد خطا کار نیز اثر می‌گذارد.

[در برخورد با لغزشها] اول این مسیر را امتحان کنید و سعی تان را بکنید که من نورانی شوم، بقیه نور من را می‌بینند و عطایی که به من شده را می‌بینند و آن را به پای عطای خدا می‌گذارند.

مهربانی را اگر در کسی ببینی، می‌گویی اگر این مهربان است، پس مهربانی خدا چگونه است؟!

مخلوق، دست بسته است. انعکاس نور در دیگران خیلی تاثیر دارد.

هیچ اشکالی ندارد به خاطر لغزش اعضای خانواده‌ات نماز شبت را بیشتر کنی؛ بالاخص اگر مادر یا پدر چنین کنند بسیار اثرگذار است.

باید ذکر.. و یاد خدا باشد. یعنی هر کاری می‌کنم بدانم خدا چه گفته است و طبق آن عمل کنم.

اگر کسی به باید و نبایدهای خدا اعتنا داشته باشد، به عبرت‌ها توجه داشته باشد، به قصه‌هایی که خدا تعریف کرده، توجه داشته باشد؛ یعنی یاد خدا است.

ما نمی‌توانیم بطور مطلق خدا را یاد کنیم. اما می‌توانیم با جلوه‌ها، با خداوند ارتباط برقرار کنیم.

انسان وقتی از یاد خدا یک امر مهم می‌سازد، این برایش کارایی ندارد؛ اما وقتی یاد خدا به باید و نباید تبدیل شده و بعد به باید و نباید مربوط به هر عضو تبدیل شود، کارایی خواهد داشت.

می‌گوییم خدا و بعد حکمی را اجرا می‌کنیم؛ این دو کار است.

نوعاً یاد خدا تسبیحی است. در رفتار ما هم این موضوع از ورع شروع می‌شود.

یاد خدا تسبیحی است؛ یعنی خدا چه چیز نیست. خدا را هر چه بدانیم، آن نیست. خدا مهربان است نه آنطور که من میدانم.. خدا این هست اما نه اینکه این باشد، خیلی بیشتر از این‌ها است.

در رفتار هم باید از ورع شروع کنیم. یعنی اگر نمی‌دانیم چه بکنیم، آنچه نباید بکنیم را که می‌دانیم! آن را انجام دهیم. مثلاً نباید فحش بدهم، نباید عصبانی بشوم و...

ذکر خدا یعنی آدم مهربانی ببیند و مهم‌تر اینکه مهربان و خوش‌اخلاق باشد. وقتی خوش‌اخلاق شد، می‌شود همان نور.

ذاکر شدن یعنی مهربان شدن. مهربان یعنی ذاکر. چون صفت کمال را تابش می‌دهد.

هر چه از سنخ کمال است، ذکر است. این ذکر باید به طور تفصیلی برای هر عضو جاری شود.

آدم باید به جایی برسد که بگوید این دست خداست که عطا کرد.. این چشم خداست که می‌بیند..

دعا کنیم و به گونه‌ای دعا کنیم که گویی امشب، شب آخر عمرمان است و فردایی وجود ندارد.

دعا کنیم خدا را در عمق وجودمان مشاهده کنیم.

دعا کنیم خدا را از عمق وجودمان جاری کنیم.

وقتی افراد دیگر ما را می‌بینند حس کنند نور خدا را دیدند.

دعا کنیم ما مثل‌های نور شویم.

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات